

«مرآت الاحوال» اثر ارجمند و بارزش «آقا احمد» فرزند «آقا محمد علی کرمانشاهی»، و نواده علامه مجدد «وحید بهبهانی» سالهای متمادی، تنها برای برخی آشنایان با نسخه های خطی شناخته شده بود. گویا تفصیلی ترین بهره را آقای علی دوانی و عبدالهادی حسائی از آن برده اند. که این دوّمی با لطف برادرش جناب عبدالحسین از نسخه مجلس (ش ۵۵۵۱) بهره برده است. پس از آن در سال ۱۳۷۰ ش، برای نخستین بار جلد اول آن توسط آقای علی دوانی با لطف فرزندشان جناب آقای رجیبی (رئیس وقت کتابخانه ملی) و بر پایه دو نسخه از کتابخانه ملی چاپ و منتشر شد.^۱ اینک متنی کامل و مصحح آن توسط «مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی» در دو جلد (مجموعاً ۱۱۲۵ صفحه) با فهرس مفصل و دقیق به چاپ رسیده است. قابل ذکر است که مؤسسه اخیر تلاش خود را وقف آثار خاندان وحید بهبهانی کرده و تاکنون چند اثر از جمله «خیراتیه»، «راد شبهات کفار» و «فضایح الصوفیه» را نشر کرده است.

چاپ جدید مرآت الاحوال با مقابله چهار نسخه صورت گرفته و تا آنجا که مقدور محققان بوده علاوه بر ذکر نسخه بدلای مفصل، درباره پاره ای از مسائل و اعلام و لغات متن، به اختصار، توضیحاتی آورده اند. برای چنین کتابی که به موضوعات متنوع پرداخته، وجود فهرس چندگانه لازم بوده و محققان با تنظیم فهرسی چون فهرست آیات، روایات، کتابها، اشعار، لغات، اماکن، اعلام، مصادر و مآخذ، و فهرست موضوعات کار را بر پژوهشگران آسان نموده اند.

نکته اول آن که لازم بود تا مقدمه مفصلتری در شرح حال آقا احمد و ارزیابی کتاب نوشته شده و اهمیت و جایگاه کتاب در متون مشابه مورد نقد و بررسی قرار می گرفت. نکته دوم آنکه محققان با زحمت فراوان کوشیده اند تا

۱. اخیراً نیز ایشان متن کامل کتاب را بدون هیچ گونه فهرسی (جز فهرست مطالب) به چاپ رسانده است! (تهران، نشر قبله)؛ نوشته حاضر بر پایه نسخه چاپی مؤسسه وحید بهبهانی نوشته شده است و از آنجا که جناب آقای دوانی حساسیت ویژه ای درباره نقد آثارشان دارند این بنده به چگونگی و نقد چاپ آن بزرگوار نپرداخته ام.

درباره مرآت الاحوال جهان نما

رسول جعفریان

مرآت الاحوال جهان نما سفرنامه

تألیف

آقا احمد بن محمد علی بهبهانی (آل آقا)

(۱۱۹۱ - ۱۲۴۳ هـ.ق)

جلد اول

تحقیق

مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی

آمده که این درست است.^۲ طبیعی است که حتی اگر متن نادرست بوده محققان باید آن را یادآور می شدند.

چند سفرنامه مشابه در دهه های نخست قرن سیزدهم هجری

مرات الاحوال، حلقه ای از حلقات سفرنامه نویسی فارسی در قرن سیزدهم هجری است؛ شماری از اندیشمندان این قرن، دست به تألیف سفرنامه هایی زدند که از منابع بسیار غنی برای شناخت تاریخ اجتماعی ایران در قرن دوازدهم هجری است؛ قرن که شاهد تحولات اقتصادی و سیاسی شگرفی در عرصه جهان بویژه اروپا و نیز کشور ما و همسایگان آن خصوصاً هند بوده است.

در اینکه چه عواملی این افراد را بر آن داشته تا دست به نوشتن سفرنامه و خاطرات خود بزنند، حدسهای مختلفی می توان زد، اما آنچه مهم است آنکه این افراد طی سفرهای خود، بویژه به هند یا اروپا روسیه، شاهد تحولات جدید سیاسی و اقتصادی بوده اند. شگفتی تحولات سبب شده تا گزارش آنها را به عنوان ارمغان و برای عبرت، برای هموطنان خویش بنگارند.

تأثیر و تأثر میان آنها را از یکدیگر نیز نباید از نظر پنهان داشت؛ به عنوان مثال همین آقا احمد در «مرات الاحوال» شدیداً متأثر از شیوه نگارش «مسیر طالبی» و «تحفة العالم» دوست خود عبداللطیف شوشتری بوده و در مواردی از آنها نقل کرده است.^۳

عامل دیگر، سفرنامه نویسی غربیان و استقبال عموم مردم از آنها بوده که آقا احمد نسبت به آنها آگاهی داشته است. او در جایی از کتاب خود درباره انگلیسیها می نویسد: «اگر کسی [از آنان] به ملکی رود و یا از عجایب المخلوقات

۱. تا آنجا که بنده نگاه کردم در چاپ جناب دوانی با آنکه قید شده از سه نسخه استفاده شده، هیچ نسخه بدلی در پاورقی نیامده است.
۲. به اتفاق آنچه را مربوط به تاریخ روی کار آمدن سراج الدوله بود، در چاپ جناب دوانی (ص ۴۶۷) ملاحظه کردم بدون اشاره به رقم حروفی آمده است ۱۰۶۹ که قاعدتاً آن نیز خطاست.
۳. نگاه کنید به فهرست اسامی کتب وارده در متن کتاب، ذیل مورد: مسیر طالبی و تحفة العالم.

تمام نسخه بدلها را یاد کنند در حالی که حداقل نیمی از آنها فاقد ارزش است و اصولاً در تصحیح متون به این قبیل نسخه بدلها آن هم در کتب متأخر چنین توجهی روا نیست؛ مثلاً به جای «از» «وازه» (ص ۷۳)؛ و یا درباره «وازه» گفتن اینکه: و، در «د» نیامده است! از این قبیل نسخه بدلها فراوان است و البته در کنار آنها نسخه بدلهای سودمند نیز بسیار.^۱

محققان، در شرح لغات متن نیز توضیحاتی داده اند اما برخی از لغات نیازی به این توضیحات نداشت، چون فهم آنها چندان دشواری ندارد مثل «دمی تغافل» که معنا شده: لحظه ای غفلت؛ «صیت» به معنای: آوازه؛ «مرعی» میدانند؛ مراعات می کنند: ملا؛ آشکار؛ ناس: مردم؛ این قبیل توضیح لغات مربوط به کتابهای فارسی مدارس است نه تصحیح متون.

توضیحاتی که در پاورقی در شرح حال افراد، کتابها و یا مکانها آمده، سودمند است گرچه گاهی اغلاطی در آن دیده می شود؛ مثلاً در ذیل ص ۲۲۷ در شرح منطقه، «حُسَیکه» با استفاده از «معجم البلدان»، آن را محلی در مدینه منوره دانسته؛ در حالی که اصولاً در متن، صحبت از عراق است! همین طور در توضیح اصطلاح «متواتر» در این کلام است که: «استشفاع و استمداد از ارواح مطهره در اخبار، وارد و متواتر است»، در پاورقی چنین آمده؛ متواتر: پیایی، پشت سرهم صادر شدن. روشن است که این معنای لغوی تواتر است و مقصود مؤلف، تواتر معنوی روایات در باب استشفاع است.

در یک مورد (ص ۷۹۴) نیز در متن، تاریخ روی کار آمدن نواب سراج الدوله سنه یک هزار و دوصد و شصت نه [۱۲۶۹] آمده؛ در حالی که محققان باید می دانستند که مؤلف در سال ۱۲۴۳ مرحوم شده؛ به علاوه در ص ۸۰۹ یعنی چند صفحه بعد شهادت سراج الدوله سال ۱۱۷۰

چیزی بیند آن را و احوال آن و ملک را و آن حیوان را نویسد و صورت آن را کشد و چون به کلکته و دارالریاسة دیگر این جماعت رسد وی را اعزاز کنند و آن کتاب را در چهاربخانه (کذا) برده از آن صدها نسخه چاپ کنند و به قالب نویسند ... و لهذا هرکس به هر ملکی که رفت یا به جزیره ای که رسید، احوال آن را به شوق آنکه علاوه بر اعزاز و اشتهار، مبلغ کلی عاید او خواهد شد، ثبت می کند.^۱

در اینجا اشارتی به فهرست این سفرنامه‌ها مفید است:

الف: تحفة العالم^۲ از عبداللطیف شوشتری (۱۱۷۲ - ۱۲۲۰)؛ ولی کتاب خود را در سال ۱۲۱۶ هـ. ق نگاشته^۳ و در آن مشاهدات و خاطرات خویش را بویژه در مورد هند و سلطه انگلیسیها در آن - جایی که مؤلف از سال ۱۲۰۲ تا پایان زندگی در آنجا بوده - ثبت کرده است. ساختار این کتاب که شامل سفر مؤلف از عراق به سمت هندوستان است شباهتهایی با مرآت الاحوال آقا احمد دارد. او نیز همان طور که آقا احمد بعداً در کتاب خود چنین کرد شرحی مفصل از چگونگی حکومت انگلیسیها در هند به دست داده است. حتی آنچه که در ذیل تحفه صص ۴۷۷ - ۴۸۱ درباره حمله وهابیون به عراق آمده در مرآت الاحوال نیز منعکس است جز آنکه آقا احمد در جریان حمله وهابیها در عراق حاضر و ناظر بوده است. از جمله رساله محمد بن عبدالوهاب که در تحفة العالم صص ۴۷۹ - ۴۸۰ آمده عیناً در مرآت الاحوال ج ۱ صص ۲۲۰ - ۲۳۲ آمده است. البته می دانیم که آقا احمد با عبداللطیف دوست بوده و در هند مکرر با او دیدارهایی داشته است.^۴

ب: سفرنامه و حیرتنامه سلطان الواعظین در هند؛ وی پس از سفر خود به هند که در سال ۱۲۲۱ صورت گرفته، مشاهدات خویش را از وضعیت هند و عادات و آداب ساکنان آن نوشته و در سال ۱۲۳۱ به دستور فتحعلی شاه یادداشتهای خود را تنظیم و تحریر نهایی کرده است. قاعدتاً آقا احمد در زمان تألیف سفرنامه خود نمی توانسته از آن مطلع بوده باشد.

ج: سفرنامه دیگر اثر میرزا ابوطالب خان [اصفهانی، تبریزی، لندنی] است که به آن نام «مسیر طالبی فی بلاد

افرنجی» داده است.

میرزا ابوطالب که در هند زندگی می کرده در فاصله سالهای ۱۲۱۳ هـ. ق تا ۱۲۱۸ هـ. ق مسافرتی به اروپا داشته و اندکی بیش از دو سال در لندن به سر برده است. او پس از آن به هند بازگشت و یادداشتهای سفر خود را تنظیم کرده است. بخش عمده سفرنامه مربوط به انگلیس و قسمتی نیز درباره هند است، او در سال ۱۲۲۱ هـ. ق درگذشته است. این کتاب با نام «مسیر طالبی» به کوشش حسین خدیو جم توسط انتشارات آموزش انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است.

د: چهارمین سفرنامه در این ردیف همین «مرآت الاحوال» است که نوشته حاضر به قصد معرفی آن نوشته شده است. وی کتاب خود را در سال ۱۲۲۵ هـ. ق تألیف کرده و از این جهت متأخر از تحفة العالم و همان گونه که گفته شد متأثر از آن بوده است.

البته مؤلف ما از سفرنامه شیخ محمد علی حزین لاهیجی نیز که به نحوی مشابه سفرنامه‌های سابق الذکر است خبر داشته اما از لحاظ حلقه ای، تنها به عنوان یکی از حلقات «کاروان هند» که تا این اواخر هنوز ادامه داشته با آن پیوند می خورد این در حالی است که از لحاظ محتوا در ردیف همان تحفة العالم، سفرنامه سلطان الواعظین و مسیر طالبی است.

مشابه این سفرنامه‌ها، البته در گزارش وضعیت دنیای جدید، «حیرتنامه سفرا» اثر ابوالحسن ایلچی است که شرح

۱. مرآت الاحوال ج ۲ ص ۸۸۲.

۲. این کتاب به اهتمام صمد موحد توسط انتشارات طهوری در سال ۱۳۶۳ ش به چاپ رسیده است.

۳. ر. ک: تحفة العالم ص ۴۶۹.

۴. ر. ک: مرآت الاحوال ج ۱ صص ۳۷۰ - ۳۷۱ و نک: فهرست اعلام، ذیل مورد.

شامل شرح سفر از ورود به بمبئی است که در آن به تفصیل از شهرهای مختلف هند و حالات خود سخن می گوید و تا خاتمه این بخش ادامه دارد. این قسمت در نسخه چاپی از ص ۲۵۷ تا ۶۴۰ می باشد. خاتمه این قسمت درباره تألیفات نویسنده و اجازاتی است که اعظام علما به وی داده اند.

بخش پایانی کتاب که از آن به مقصد سوم تعبیر شده یاد از احوال شاهان فرنگستان و غیره است که ضمن آن آگاهیهایی از کشورهای اروپایی، امریکایی و افریقایی به دست داده است.

مقام سیم این بخش ویژه کشور انگلیس و حکومت کمپانی هند شرقی است که شرح چگونگی حکومت انگلیسیها در هند است. این مباحث در صص ۶۵۷-۸۸۹ کتاب آمده است.

خاتمه کتاب نصایحی به ملوک و غیر ملوک است که ضمن آن به برخی رخدادهای اواخر عصر صفوی و دوره نادری نیز اشاره شده است. خاتمه کتاب ضمن صفحه های ۹۰۰-۹۵۲ کتاب آمده است.

تقسیم بندی فوق از حیث معرفی محتوای کتاب بوده و از نظر بخش و باب ربطی به فهرست مؤلف ندارد. مؤلف، کتاب را در پنج مطلب آمده که تا مطلب چهارم شرح حال خاندان و مطلب پنجم از شرح حال مؤلف تا خاتمه کتاب را دربر می گیرد و شامل سه مقصد است. خاتمه نیز در انتهای کتاب آمده است.

ارزش و ارزیابی محتوای کتاب

گذشت که مؤلف، کتاب خود را در پنج مطلب تقسیم کرده و چهار مطلب آن را اختصاص به شرح حال خاندان مجلسی و بهبهانی و وابستگان نسبی و سببی آنها دارد. این بخش، تفصیل کتابچه خاندان علامه مجلسی از میرزا حیدرعلی مجلسی است. متن مزبور در قیاس با مختصر میرزا حیدرعلی شامل توضیحات تفصیلی نسبت به خاندان، نقش علمی و احیاناً سیاسی آنها و نیز آثار مکتوب و شاگردان آنان است.

سفر سیاسی او به لندن در سال ۱۲۲۴ قمری است.

محتوای کتاب

فهرست بندی محتوای کتاب از سوی مولف بسیار ریز و گسترده بوده و خود وی، در آغاز کتاب آن فهرست را آورده است. در نسخه چاپی، فهرست مؤلف علاوه بر آنکه براساس نسخه اصل، در آغاز کتاب آمده در فهرس پایانی نیز خلاصه اش آمده است.

در اصل می بایست ضمن فهرست مؤلف که در آغاز کتاب آمده، شماره صفحه ها نیز از سوی محققان افزوده می شد تا علاوه بر سودمندی آن، از ذکر مجدد خلاصه فهرست مؤلف در فهرس پایانی نیز بی نیاز شود، محققان، خود نیز فهرست مطالب کتاب را با قید عناوین ریز - نه فقط فصل اول، فصل دوم ... - در فهرس پایانی آورده اند. حتی آن بود که فهرست مزبور در آغاز کتاب باشد، همان گونه که اکنون در بیشتر کتابها رایج است و نفع آن آشکار.

در اینجا برای آن که خوانندگان این مقال با کلیت محتوای کتاب آشنا شوند، بر پایه موضوع بندی کلی کتاب، آن را در چند موضوع می شناسانیم:

بخش نخست کتاب، شرح حال خاندان مجلسی و وحید بهبهانی است که در اصل شرح و بسط و تکمیل رساله خاندان علامه مجلسی از میرزا حیدرعلی مجلسی (تألیف به سال ۱۱۹۴) است. این بخش تا ص ۱۸۳ نسخه چاپی ادامه دارد.

بخش دوم کتاب شرح حال خود مؤلف و به عبارتی سفرنامه ای است که او نگاشته و در آن خاطرات تحصیل و مسافرت به شهرهای گوناگون «ایران و عراق» را آورده است این بخش تا آغاز ورود مؤلف به بمبئی ادامه داشته و در نسخه چاپی از ص ۱۸۵ تا ۲۵۴ آمده است.

بخش سوم کتاب که از مهمترین قسمتهای کتاب است

تاریخنگاری خاندانهای شیعه

آنچه در بدو امر جالب است آن که کتاب مزبور سرگذشت یک خاندان عریض و طولی است که در طی قریب دویست سال نسل اندر نسل عالمان برگزیده بسیاری از شهرهای ایران بوده اند. این خانواده، همزمان با ایجاد پیوندهای جدید خانوادگی، بسط بیشتری می یافته و زنجیره ای را تشکیل می داده که حلقات آن از عراق عرب گرفته تا عراق عجم و تا هند، در بسیاری از شهرها حضور داشته است.

خاندانهای علمی شیعه در هر دوره تاریخی، از عصر اول تاکنون، موضوع بسیار جالب برای تحقیق هستند. زمانی عباس اقبال، خاندان نوبختی را نوشت؛ زمانی دیگر آقای محمد علی ابطیحی خاندان آل اعین و آقای مدرسی طباطبایی خاندان فتحان را نگاه داشتند. شناخت خاندانهای شیعه از عصر صفوی بدین سو، برای شناخت تاریخ تفکر شیعی در دوره مزبور حائز اهمیت بسیاری است. در مواردی این خاندانها با یکدیگر پیوند برقرار کرده و نقش قابل توجهی در سیاست و فرهنگ ایفا کرده اند؛ نگاهی به مدخل «آل» در «دائرة المعارف تشیع» وسعت این قبیل خاندانهای شیعی را از روی کار آمدن دولت صفوی به بعد، به خوبی نشان می دهد.

متأسفانه سرگذشت تفصیلی برخی از این خاندانها و ارتباطات داخلی آنان در دسترس ما قرار نگرفته است؛ اما از برخی دیگر - که یک نمونه آن همین کتاب است - با آگاهیهای تفصیلی برجای مانده است؛ همت آقا احمد در ثبت جزئیات مربوط به خاندان مجلسی و بهبهانی در مرآت الاحوال، ما را در شناخت هرچه بهتر این خاندان یاری کرده است.

اهمیت خاندان مزبور به لحاظ فرهنگی و سیاسی کاملاً مشهود و هویداست. از میان آنان دو چهره برجسته علامه مجلسی و وحید بهبهانی نقش بزرگی در شکل دهی تفکر شیعی در سده های اخیر داشته اند.

بسیاری از افراد خاندان در شهرهای مختلف منصب

امامت جمعه را داشته و به علاوه اکثر آنان اهل تألیف و تصنیف بوده اند و بدین ترتیب در بنای عظیم تفکر شیعه نقش ویژه خود را داشته اند. بدین ترتیب باید توجه داشت که کتاب مذکور شرح حال بسیاری از عالمان شهرها را که برخی از آنها در جای دیگری شناسانده نشده اند، آورده است.

آقا احمد می کوشد تا در زمینه های علمی و فرهنگی آگاهیهای لازم را در اختیار ما بگذارد. به علاوه هر کجا که آگاهی ویژه ای از نقش اجتماعی آنان داشته مطالبی آورده و نقش و سهم آنان را در رخدادهای مهم این دوره یاد کرده است. اخلاقیات داخل خانواده که سهم بسزایی در برجستگی این قبیل خاندانها دارد از اموری است که آقا احمد به آنها توجه داده است. نباید فراموش کرد که کار اصلی او در این نوشته، «تبارشناسی» است. در واقع مطالعه تاریخ اجتماعی ایران و نیز تاریخ تفکر شیعه در گرو این قبیل نوشته هاست.

گفتنی است که از یک اشارت مؤلف در صفحه ۱۷۵ چنین به دست می آید که بخش نخست کتاب نیز در هند نوشته شده است، قاعدتاً مؤلف یادداشتهایی طی مسافرتها فراهم کرده و در هند به تدوین آن پرداخته است. نکته دیگر آن که مؤلف تنها چهره های روحانی خاندان را یاد کرده و این از اشارت دیگر او در ص ۱۱۰ کتاب روشن می شود؛ به علاوه از مجموع شرح حالها نیز نکته اخیر مستفاد می شود. در اینجا یکی دو سه نمونه از برخوردهای فرهنگی که مؤلف از آنها یاد کرده می آوریم.

در یک مورد از سفر «سرجام مالکوم» انگلیسی به کرمانشاهان یاد می کند. توجه داریم که در آن زمان که دهه های نخست قرن سیزدهم هجری است مناظرات مسیحی - اسلامی در ایران رواج یافته و به دنبال آمدن «هنری مارتین» به ایران از شیراز تا اصفهان، و از آنجا تا قم و تهران، عالمانی چند، رساله هایی در رد بر کتاب وی

زندگینامه خودنوشت

مؤلف در مطلب پنجم پس از شرح حال خاندان در مطالب پیشین، به شرح زندگی خویش می‌پردازد؛ او از کودکی آغاز می‌کند، از شهر کرمانشاهان، جایی که سالهای متمادی آقا محمد علی کرمانشاهی پدرش در آنجا زندگی کرده است. آگاهیهای او از زندگی خود منحصر به تحصیل و مسافرت بدین سوی و آن سوست و از تجربه‌های زندگی بهسره اندکی دارد. در برابر شرحی از عالمان آن زمان کرمانشاه به دست می‌دهد و تک تک عالمان فاضل آن دیار را می‌شناساند. پی از گذشت بیست بهار به سوی عتبات می‌رود. از آنجا که وی این سفرنامه را بعدها نگاشته خالی از ذکر جزئیاتی است که اغلب در سفرنامه‌ها وجود دارد. وی در شرح سفر به عتبات تنها از چشمه آب گرم نیمه راه و شهر «ذهاب» یاد می‌کند و آنگاه به بغداد و توصیف آن می‌پردازد. در شرح بغداد از مقابر برخی اصحاب ائمه (ع) و بزرگان دیگر یاد می‌کند، و نیز از مسجد «برائا» و آنگاه حرم کاظمین (ع). در یاد از حرم کاظمین و نجف از شرح کارهای آقا محمد خان قاجار و نادرشاه در آبادی و بناهای مذهبی این دو شهر سخن می‌گوید. در ادامه از ادامه تحصیل خویش بحث می‌کند.

از میان آنچه او درباره تحصیل خود آورده می‌توان متون درسی حوزوی آن دوره را در فقه، اصول و بلاغت و دیگر مسائل، به راحتی به دست آورد.

در آن دوره «مفاتیح الشرایع» فیض جایگاه ویژه‌ای داشته چنانکه شروح متعددی نیز برای آن نوشته شده است.

حمله وهابی‌ها به نجف

زمان حضور وی در عتبات از سال ۱۲۱۰ هـ. ق به بعد بوده و او بیشترین تحصیل خود را در سطوح عالی نزد شیخ محمد جعفر نجفی به انجام رسانده است. او شرح حال شماری از عالمان این شهر را به دست داده است. در طی

نگاشتند. یادداشت آقا احمد اشاره به درآمد این مباحث است که در قضیه حضور مالکوم در خانه آقا محمد علی پدر آقا احمد در کرمانشاه رخ داده است:

چون همیشه این جماعت، طالب و جویای ملاقات با بزرگان و نام‌آوران و اصحاب معرفت و کمالند، در بلده کرمانشاهان که رسیدند، استدعا کردند که به دولتخانه والد این فقیر آمده فیض یاب ملاقات آن جناب شده ... چون نشستند سخن از هر جا در میان آمده تا آنکه به مذهب رسید. ایشان عرض کردند که ما را از دین و آیین، آن قدر اطلاعی نیست. جناب سامی این مطالب را در رساله‌ای علیحده نوشته عنایت فرمایند که جواب را از ولایت ارسال خواهیم داشت. آن جناب در مدت یک هفته «رساله نبویه» را در اثبات نبوت خاتم الانبیا به شرح و بسط تمام نوشتند.^۱

مورد دیگر اشاره به رشد جریانات صوفی منشانه در ایران، بویژه در غرب آن، است که با تلاش آقا محمد علی کرمانشاهی، رشد جریان مزبور متوقف و به تدریج محدود گردید. آقای احمد شرحی کوتاه از این ماجرا را در کتاب خود آورده است:

چنانکه در این اعصار، مذهب باطل صوفیه ضلالت شمار در دارالایمان ایران به نهایت اشتهار رسیده بود، جناب مستطاب غفران مآب زبده المجتهدین والد ما جد فقیر - قدس الله سره الشریف - به اعانت و تأیید پادشاه جمجاه عالم پناه ... فتحعلی شاه - نصره الله لدفع اعداء الدین - ... قلع و قمع شده و در اطراف و اکناف آن مملکت اشخاصی را که اختیار آن مذهب کرده بودند توبه داده داخل زمره مسلمین کردند و این آتش فتنه را خاموش نمودند و باعث نجات چندین هزار کس از مسلمین شدند.^۲

او در انتهای کتاب نیز ضمن بحث نصایح به ملوک شرحی از صوفی کشی فتحعلی شاه آورده است.

۱. مرات الاحوال ج ۱ ص ۳۹۴-۳۹۵.

۲. مرات الاحوال، ج ۱، ص ۸۰.

سالهای حضور وی، یکی از مهمترین حوادث حمله وهابی‌ها به شهر مقدس نجف است. این حمله در سال ۱۲۱۶ قمری واقع شده و طی آن، پس از شکسته شدن خط دفاعی شهر در روز غدیر آن سال، وهابی‌ها به داخل شهر آمده به تخمین مؤلف، سه هزار نفر را به قتل رساندند. مؤلف به دنبال شرح واقعه، به بیان معتقدات وهابیان پرداخته و متن رساله‌ای از محمد بن عبدالوهاب را در تکفیر سایر مسلمانان و دعوت به توحید منعکس کرده است. وی سپس به رد دیدگاه‌های وی پرداخته است.

آنچه که در خصوص ارتباط حوزه های علمی ایران و عراق قابل توجه است این که حادثه مزبور شماری از عالمان معروف عراق را به سوی ایران کوچ داد. مؤلف در شرح حال عالمان خاندان و غیر خاندان در چند مورد اشاره کرده که به دنبال حادثه وهابیون عراق را به سمت ایران ترک کردند^۱ همین حادثه مؤلف ما را نیز از عتبات به ایران بازگردانده است.

سفر به شهرهای ایران

وی پس از چند ماه توقف در کرمانشاه، بدون خانواده، به قم آمده، شش ماه در آن شهر توقف و از میرزای قمی بهره برده است. آنگاه به بروجرد و نهاوند رفته به کرمانشاه بازگشته و برای چند ماه به عتبات رفته است. در آنجاست که او «به سبب زیادتی دیون و پریشانی احوال» عزیمت سفر هند کرده است. گذشت که «کاروان هند» اصولاً برای رهایی از همین مشکل، ایران و عراق را رها کرده به هند رفته اند. او برای سفر به هند، سفر خود را به سمت مشهد مقدس، از همدان آغاز کرده، از کاشان، نایین، یزد، طبس، تون [فردوس فعلی] عبور کرده تا به مشهد رسیده است. وی از شهرهای طول راه عمدتاً از عالمان و برخی از حکام آنها سخن گفته که به لحاظ تاریخ محلی سودمند است. پس از مدتی توقف در مشهد در سال ۱۲۱۹ عازم بندرعباس شده و آغاز سال ۱۲۲۰ قمری را در مسقط بوده است. سفر او از مسقط تا بندر بمبئی [یا به قول خودش ممبئی که معتقد است درست همان است] از طریق

دریا هیچ‌ده روز به درازا کشیده است.

مؤلف در هند

بخش عمده کتاب از این پس آغاز می‌شود. او به هند می‌رود و به توصیف آنچه دیده و شنیده می‌پردازد. شرحی از جغرافیای هند، اقوام مختلف و دولتها و دولتیان به دست می‌دهد اما حقیقت آن است که در میان آگاهیهای داده شده، تنها آنچه از مشاهدات مؤلف است ارزش علمی دارد آن هم در حد یک برداشت. مسموعات چندان عالمانه نیست. مثل آنچه مؤلف در ریشه یکی از اعیاد براهمه گفته است (ص ۳۰۰). وی پس از کلیات به سراغ آداب و عادات هندوان می‌رود و بخشی را به اعیاد آنان اختصاص می‌دهد (ص ۲۹۹ - ۳۱۰)؛ به دنبال آن، دیگر معتقدات هندو با اصطلاحات خاص هندی، و نیز آداب اخلاقی و اجتماعی شان به عنوان نکات برجسته توجه مؤلف را به خود جلب می‌کند، از آن جمله «کیفیت عروسی کردن هندیان» و «آداب حضور حکام نزد سلاطین» است. از نکات برجسته که به حق نظر مؤلف را جمع کرده آن که «کناسان» را در این مملکت «حلال خور» می‌نامند. نظر مؤلف نیز آن است که «حق آن است که این اسم با مسمی است.» (ص ۳۳۹).

مؤلف از کثرت فساد از زنا و لواط سخن می‌گوید آن گونه که «زنان فاحشه ... علانیة بر مناظر و غرفات و بالاخانه‌ها و کوچه‌ها ... نشسته‌اند و ...» (ص ۳۳۹) و حکام نیز از این راه درآمد فراوانی دارند.

شفاعت امام حسین (ع) برای کیست؟

متأسفانه شیعیان نیز گرفتار فساد شده و توجه شان این بود که «حضرت سید الشهداء - علیه السلام - به جهت شفاعت

۱. مرآت الاحوال، ج ۱، صص ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۷۲، ۱۷۸.

این سؤال پاسخ دهد و آن را به عنوان عبرت دیگران ارمغان بگذارد. البته ارزیابی آقا احمد از موقعیت انگلیسیها در سراسر کتاب پراکنده است و برای به دست آوردن دیدگاه وی باید تمامی کتاب به دقت مطالعه شود.

نخستین اشاره او به این مطلب است که «اغلب ملک و کهن و بنگاله تا به شاه جهان آباد (دهلی) که چشم و چراغ این مملکت بود، در تصرف جماعت انگلیسیها است (ص ۲۸۲). او در همان صفحه از غارتگری مالی آنان که به نام تجارت صورت می گیرد سخن گفته و می افزاید: که «سپاه ایشان منحصر در قوم خود، و جمعی از ارادل و اوباش این ملک است». اشراف همه ترس از آن دارند که «به عدالت ضلالت دستگاه این قوم مبتلا شده بالمره نیست و نابود شوند» (ص ۲۸۳).

گام بعد بر خورد آقا احمد با مناری است که «جماعت انگریزیه» لب دریا ساخته اند و «در شب بالای آن چراغ روشن کنند» و بدین ترتیب راهنمای ناخدایان است. آقا احمد این اقدام را از «اوضاع پسندیده» آنان می داند. (ص ۳۵۴)

زمانی که به شهر «پونه» می رسد در توجیه علت نفوذ انگلیسیها چنین می گوید که «چند سال است که جماعت انگریزیه در آن شهر دخل کلی کرده اند و به اسم نوکری آنجا را نیز به احاطه خود در آورده اند (ص ۳۵۹). در شرح شهر حیدرآباد دکهن عنوان بحث «کیفیت تسلط انگریزیه در دکهن» است. مشیرالملک که رشته امور شهر را در دست داشت برای رهایی از دست مخالفان که با قوم «فرانکسیس» سر و سر داشتند، «چنین صلاح دانست که استمداد از جماعت انگریزیه کند» و البته انگلیسیها که «همیشه طالب و جویای این معنی اند که کسی ایشان را به ملک راه دهد تا به طلبیدن چه رسد» «سر قدم ساخته» به حیدرآباد رفتند. اول قوم «فرانکسیس» را اخراج کردند. بعد در خارج شهر قلعه ای ساختند و بالاخره بر شهر مسلط شدند (ص ۳۶۷).

شگفتی مؤلف از آن است که ظواهر را کاملاً رعایت کرده و به «سهولت و آسانی» و بدون آنکه «به ظاهر حال هر کسی جبر» کنند حیدرآباد را گرفتند (ص ۳۶۹).

گناهکاران و نجات دادن ما عاصیان به درجه شهادت رسیده است. (ص ۳۴۳). مؤلف از این سخنان برمی آشوبد و به شدت به آن می تازد. ریش تراشی نیز رایج است و دلیلش به عقیده مؤلف، تحصیل «رضامندی زنان» (ص ۳۴۷). در جای دیگری از زنی فاحشه یاد می کند که مشیرالملک هشتاد لک روپیه از نقد و جواهر از او گرفت و بعد به خواهش برخی به او پس داد. آن زن «قریب پانصد نفر ملازمان و چاکران دارد و شبی هزار روپیه از رقص می گیرد و «عجب آنکه خواسته به ملاقات آقا احمد بیاید، و وقتی حتی قبول نکرده «متعجبه» شده است. آن زن تنها چیزی که عبادات فهمیده «اخلاص به حضرت امیر» بوده است (ص ۳۷۹).

آقا احمد در صفر ۱۲۲۰ وارد بمبئی شده است او در آغاز به توصیف این شهر پرداخته و از زردتشیان شهر و نفوذشان در این شهر سخن می گوید (ص ۳۵۴)؛ وی از آنجا راهی شهرهای دیگری از قبیل «نپولی» «پونه» «بیجاپور» و «حیدرآباد» شده و در هر شهر اگر بر آشنایی وارد شده به معرفی وی پرداخته است. او در حیدرآباد عبداللطیف خان شوشتی را ملاقات کرده است.

همان گونه که گذشت مؤلف این کتاب را به صورت خاطرات روزانه نوشته و لذا از حوادث قبل و بعد نیز یاد می کند؛ مثلاً در حالی که سفر سال ۱۲۲۰ خود را می گوید فوت میر عالم بهادر در سال ۱۲۲۳ را یادآور می شود.

شیوه نفوذ انگلیسیها در هند

یکی از پدیده های که آقا احمد از آغاز سفر به هند به آن روبه روست برخورد با انگلیسیهاست. آنان در مناطقی تسلط کامل داشته و در مناطق دیگر رفت و آمد تجاری داشتند. آقا احمد به تناسب به شرح کارهای آنان می پردازد. یک مسأله مهم برای وی آن است که چگونه انگلیسیها در این بلاد مسلط شدند. او در موارد متعددی می کوشد تا به

نعل ذوالجناح در حیدرآباد

وی به تفصیل درباره امیران و بزرگان این شهر، که عمدتاً نژاد ایرانی دارند، سخن می‌گوید. این شهر بیشترین نژاد ایرانی را در خود جای داده، کسانی که در سلک کاروان هند به عنوان ادیب و سیاستمدار به آنجا رفته و شأن و شخصیتی پیدا کرده‌اند. این شهر که جمعیت شیعه بسیار گسترده بوده، پناهگاهی برای مهاجران به شمار می‌آمده است.

از نکات شنیدنی حیدرآباد آنکه «نعل پاره» ای هست که می‌گویند نعل ذوالجناح اسب امام حسین (ع) است. شب تاسوعا آن را در حجره‌ای می‌نهند و منتظر شنیدن آواز آن می‌شوند. همه این آواز را می‌شنوند. یکی به صدای آواز فیل، دیگری شیر و ... شگفت آنکه نعل مزبور، سالی دو بچه نعل می‌زاید.

آقا احمد در ادامه می‌گوید که این افعال از حسن اعتقاد مردم به حضرات ائمه (ع) است «چنان که در حدود هندوستان ... زیاد از صد موضع به نظر آمده است که قبه و بارگاهی ساخته‌اند و در آنجا صندوقی گذاشته‌اند و می‌گویند که از موی ریش مبارک حضرت رسول (ص) در آنجاست (ص ۳۸۷). ساختن «ضرایح» نیز در ایام عاشورا نه فقط برای شیعیان که برای هندو نیز مرسوم است.

آنان در برابر ضرایح سجد می‌کنند! و پس از فرارسیدن محرم آنها را در آب غرق کرده یا در «جای معینی که او را کربلا نامیده‌اند دفن می‌نمایند».

فرهنگ شیعی هند که در اصل برگرفته از آداب مذهبی ایران عصر صفوی بوده، چنان زایشی از خود نشان داده که شگفت‌انگیز است. در آنجا در ایام عاشورا گودالی در اطراف تعزیه‌خانه می‌کنند، و روز آخر آن را پر می‌کنند و آن را علامت پایان مصیبت می‌دانند. این همان خندقی است که اطراف خیمه‌ها بوده (ص ۳۸۸). کوهی در اطراف حیدرآباد با نام «بهار ولی» هست که گفته حضرت «حیدر» (ع) به آنجا آمده است.

همانطور که آقا احمد فهمیده «در امورات بی‌اصل، آن قدر دقت دارند، و در چیزی که شرعاً محترم است این قدر

مسامحه می‌کنند.» او فهرست آن امور بی‌اصل را به دست داده است که در اینجا نمی‌توان ذکر کرد! از جمله اصل دارها که رها کرده‌اند آنکه روزه نمی‌گیرند و اغلب نماز نمی‌خوانند (ص ۳۹۰).

وامانده زاصل و پیوسته به فرع
کم معتقد خدا و بسیار به شرع

ادامه سفر

او پس از شرحی از روابط دیپلماتیک انگلیسیها با شاه قاجار و رفت و شد سفیران، سفر خویش را از حیدرآباد به سمت «مچهلی بندر» ادامه می‌دهد، در محرم سال ۱۲۲۱ را در این شهر بوده و در صفر همان سال راهی کلکته شده است (ص ۴۰۳).

آنچه توجه وی را جلب کرده یکی وضع انگلیسیها بویژه در ساختن قلعه‌های مستحکم و دیگر آداب بت‌پرستی هُنود و دیگر اقوام است. در آنجا نیز با استقبال آشنایان که نوعاً از شخصیت‌های برجسته‌اند روبرو شده است. شهر کلکته گودالی بوده با چند خانه از تهیدستان که اکنون «جماعت انگریزی به تعمیر آن پرداخته‌اند» و به صورت شهری «در غایت شکوه و صفا و عمارات عالیه» درآمده است؛

و البته «تمام هندوستان خراب شده است تا آن بندر آباد گردیده است» (ص ۴۰۷).

شگفتی آقا احمد از کارخانه‌های توپ‌ریزی است که در تمام ایام به کار مشغولند؛ استحکامات نظامی آنان نیز تعجب وی را برانگیخته و می‌گوید آمادگی آنان به طوری است که در هر آن «مستعد حرب‌اند».

آقا احمد پس از چند روز به «مرشد آباد» رفته و در آنجا خانواده تشکیل داده است. در آنجا از زن جعفرعلی خان با نام بیویگم مصاحبه یاد می‌کند که چه خدماتی به او و دیگر کسانی که از عتبات می‌آمده‌اند کرده است (ص ۴۲۰). در

ولی تاریخچه این شهر را بیشتر به جهت بیان یک هیأت نفوذ انگلیسیها در آن بیان کرده است. عمده دلیل نفاق داخلی میان قدرتمندان شهر و روابط پنهانی با انگریزها برای حفظ موقعیت خودشان بوده است (ص ۴۸۰). آقا احمد درباره ولی نعمت خود «مقدسه متعالیه و خلف مرحوم مغفور میرزا محمد امین خان را که الی الان نظیر او را در زمره مردان نیز ندیده چه رسد به زنان» به تفصیل سخن گفته و از بسیاری از اعیان شهر نام برده است (تا ص ۴۹۴). آگاهیهای داده شده جز برای تاریخ محلی برخی از شهرها سود دیگری ندارد. اشارتی نیز به بی سوادی امام جمعه فیض آباد کرده که برخی از طلاب خطبه اش را معرب می کردند و باز غلط می خواند. آقا احمد چندی در فیض آباد به تدریس کتابهای فقهی و اصولی مشغول بوده است.

آقا احمد در رجب آن سال به «لکنهو» آمده است تا در آنجا برای وی مراقب گذاشته اند. در این شهر «سید دلدار علی» عالم نامی شیعه آن سرزمین سکونت داشته و چندین بار به ملاقات آقا احمد آمده گرچه در ادامه روابط آن دو پایدار نمانده است (ص ۵۰۶) جدال مختصری نیز برای تعیین روز عید فطر پیش آمده که خود سبب کدورت بیشتر وی با حاکمان بلد شده، است. او می گوید که در لکنهو طعنه بر فیض کاشانی بسیار گسترده و شایع بوده و لاجرم این مربوط به اتهام تصوف گرایی فیض بوده است. مقدسه عالیه مجدداً وی را به فیض آباد دعوت کرده و آقا احمد پس از سه ماه لکنهو را ترک کرده است. با اینها شرحی از عالمان و اندیشمندان این شهر در آن دوره به دست داده که از لحاظ تراجم عالمان و اعیان شیعه آن بلد بسیار سودمند است (ص ۵۱۳-۵۱۹). شرحی نیز از احوال لکنهو آورده و ارزیابی او از مردم شهر به عنوان تنایح مصیبتهای وارده اینکه: «اغلب اهالی آن در بی وفایی با اهل کوفه شباهت بسیار دارند و نفاق اگرچه در تمام هند عالمگیر است و لکن ظاهر آن است که آن بلده معدن و پایتخت اوست» (ص ۵۲۱). در اینجا وی به شرح حال آصف الدوله و آثار باقیمانده از وی در نجف (نهر آصفیه) و تعزیه خانه و دیگر خدمات وی آورده است.

این شهر نیز ایرانیان فراوانی با پسوندهای اصفهانی و کرمانی بوده اند که آقا احمد با آنان مراوده داشته است (ص ۴۲۲-۴۲۳).

از نکات جالبی که در «مرشد آباد» گزارش کرده حکایت دین جدیدی با نام دین خفشانی است که «بانی آن مدعی نبوت جدید بوده و برای هر دو گروه شیعه و سنی، و جذب آنها اقتباساتی داشته است. آقا احمد با بهره گیری از کتاب «سیر المتأخرین» و آگاهیهای شفاهی، سیر پیدایش دین خفشانی تا انحطاط آن را که بر اثر اختلاف بین جانشینانش بوده گزارش کرده است. به هر روی این قسمت تجربه ای جالب است (ص ۴۲۶-۴۳۹).

وی در ادامه سفر به «عظیم آباد» و سپس به «بنارس» رفته و به لحاظ دینی مورد مراجعه بسیاری از اهالی سنی و شیعه شهر واقع شده است. نکته قابل توجه در این شهر مقبره «شیخ محمد علی حزین»، عالم، شاعر و تذکره نویس اواخر عهد صفوی است که آقا احمد شرح حال وی را نسبتاً مفصل آورده است (ص ۴۶۰-۴۶۴). وی را متهم به قبول به «وحدت وجود» کرده اند. مؤلف در دفاع از وی کوشیده و گفته است که نظایر حرفهای او را، حتی علامه مجلسی نیز دارد. وی در راه سفر به «فیض آباد» از چندین منطقه گذشته و در هر جا از اعیان شهر و متفردات آن بلد سخن گفته از روغن جونپور، پل جانپور و درخت بر و...؛ در بهدرسه نیز سادات بی شمار بوده اند و از آقا احمد استقبال شایانی کرده اند. در فیض آباد وی در آغاز سال ۱۲۲۲ هـ. ق. به فیض آباد رفته است. وی از تاریخچه این شهر و حکام آن در طی یکصد سال سخن گفته است. در بسیاری از این بلاد مؤلف از طایفه قزلباشیه و نقش آنها در آبادانی شهر سخن می گوید؛ مثلاً درباره همین فیض آباد آمده است که: «و آن شهر به سبب ازدحام و اجتماع قزلباشیه نظیر یکی از بلاد عظیمه ایران شد» (ص ۴۷۶).

باز هم حيله های انگلیسیها

آقا احمد در اینجا توجهش معطوف به شیوه نفوذ انگریزیهاست که عمدتاً با استفاده از نزاعهای امرای محلی و بهره‌گیری از حماقت آنها «کلاه فرحت را به اوج رخصت» می‌اندازد و همه را به ریشخند می‌گیرند (ص ۵۳۰). آقا احمد همه جا از همکاران انگلیسیها به عنوان ابلهان «نمک به حرام» سخن گفته و بیان حيله گری انگلیسیها را برای عبرت دیگران وظیفه خویش دانسته است، حيله گریهایی که ضمن آنها «یکی را شمشیر از نیام و خون از اندام برنیامد» (ص ۵۴۵). آقا احمد تحت تأثیر سیاست بازیها زیرکانه آنهاست که می‌گوید: و حق آن است که این جماعت در این مراحل و در حزم و تدبیر قلیل النظر بلکه بی مثل و مانندند و هیچ قومی از مسلم و کافر را با ایشان لیاقت همسری نیست (ص ۵۴۶). آقا احمد علاقه مند به تاریخ محلی «لکنهو» بوده و فصل مفصلی درباره آن آورده است. آگاهی جالب او درباره مبداء نماز جمعه در این شهر است. بانی آن ملا عسکری کشمیری است که با کسب اجازه از وحید بهبهانی اقدام به آن کرده است (ص ۵۶۴-۵۶۵). اساس مطلبی که وی درباره شاه جهان آباد گفته بار دیگر، مربوط به چگونگی سلطه انگلیسیها در آنجاست. در واقع این «توپ» است که سبب شده هیچ کس یارای برابر با آنها را نداشته باشد.

پیدایش مذهب سکه (سیکها) نیز سرگذشت جالبی دارد. مذهبی تلفیقی از عقاید صوفیانه اسلامی و هندوی با آداب و رسوم خاص. اشعارب که از «نانک» بنیانگذار اصلی این فرقه و دیگر خلفای او برجای مانده در حکم کتاب مقدس آنهاست (ص ۵۷۲-۵۸۲).

تجربه این دین جدید نیز در سرزمین ادیان و مذاهب، تجربه ای شیرین و پرعبرت است. آقا احمد پس از آمدن به فیض آباد، گرفتار دردسرهایی شده اما با حمایت «مقدسه متعالیه» و دیگر حامیان خود بر آن توطئه ها فائق آمده است تمام این مصایب «از جماعت نفاق پیشه قزلباشیه» بوده است (ص ۵۸۹). دستخطی نیز از سوی یکی از اعیان لکنهو در رد

آقا احمد نشر یافته که سبب شده وی متنی تحت عنوان در عنایتنامه» بنویسد و به آن مطالب پاسخ دهد. گویا یکی از موارد مربوط به فیض کاشانی بوده که آقا احمد دفاع از او کرده و دیگر این که اجتهاد آقا احمد تردید کرده‌اند (ص ۵۹۱-۵۹۹). آقا احمد کم کم اندیشه بازگشت را مطرح می‌کند و در رجب سال ۱۲۲۳ عازم «عظیم آباد» می‌شود. در حالی که «مسلمانان از یک طرف به آه و فغان بودند و هنوز از یک طرف، (ص ۶۰۱)، در بازگشت سفارشات لازم به شهرها و بلاد برای استقبال از وی شده بود حتی چندین از صاحب‌منصبان انگریزی نیز از وی دیدار کردند و از جمله «مستر گورنر» دستخطی فرستاده «مشمول بر حکم به حفاظت و حراست این فقیر».

تعزیه خوانی انگریزیها!

آقا احمد آغاز سال ۱۳۳۴ را در «جهانگیر» در راه بازگشت بوده است. وی از تعزیه خانه دارالشرب مرشد آباد یاد می‌کند که املاک وقفی آن را انگریزیها گرفته و البته «در ایام عاشورا از دولت سرکار کمپنی بهادر فی الجملة رسوم تعزیه داری در آنجا به عمل می‌آید». (ص ۶۲۰) و «اگر مقدمه دوازده هزار روپیه و اهتمام جماعت انگریزیه نبود چون تعزیه خوانهای دیگر اثری الی آلان از آن مکان باقی نمانده بود. سیاست انگلیسیها آن بوده که معمولاً موقوفات مهم را در مناطق تحت سیطره خود در تصرف خویش داشت و درآمدی از آن را به مصرف مزبور می‌رسانده‌اند.

اولین نماز جمعه در عظیم آباد

آقا احمد در شعبان سال ۱۳۲۴ برای اولین بار نماز جمعه برای شیعیان امامی مذهب شهر «عظیم آباد» اقامه کرده چه ادای آن «موجب رونق دین و شکوه مذهب امامین

توجه کرده است. به نوشته او انگریزیها از دو صد سال قبل دریافتند که نباید «پادشاهی و لوازمات آن موقوف بر یک شخص» باشد. در این کشور سه طایفه قدرت سیاسی را در اختیار دارند: پادشاه، وزراء و پارلمنت (ص ۷۷۲). ولی بخشی از آگاهیهای خود را در این باره از میرزا ابوطالب خان نویسنده کتاب «مسیر طالبی» گرفته است (ص ۷۷۳). البته نقلهای شفاهی نیز از طرق موثق از خود صاحب منصبان انگلیسی، می آورد. وی درباره تک تک سه قدرت مزبور شرحی به دست داده است. از نظر و سلطان بالاستقبال همان «وزیر» است که با کمک پارلمنت در برابر خواسته شاه مقاومت می کند. در عصر وی در میان وزیران، یک وزیر امور مذهبی نیز در انگلیس بوده که کار کلیساها و انجام دیگر آداب و عادات مسیحی در اختیار او بوده است. وی در بخش قوه قضائیه به استقلال این قوه در برابر «اعاظم و اراذل» اشاره می کند و اینکه عدالت به یکسان اجراء می شود (ص ۷۸۲).

آقا احمد به درستی دریافتند که اگرچه انگریزیها بر دین مسیحیت اند اما «به جز آنکه در کلیساها ناقوس زنند ... چیزی دیگر از احکام در میان ایشان مشهور نیست». بزرگان و امرایشان نیز «به جز اقرار به وحدت، همه را افسانه می دانند و اوقات خود را با التمام صرف تدبیر تسخیر ملک ... و سیاست مُدُن می کنند».

آثار اجتماعی و سیاسی عصر روشنگری تا آن حد برجسته بود، که در هند آنها را به درستی دریافتند. استعمار در شمار این آثار این است لذا بلافاصله می گوید «و نتیجه آن این است که کمپنی یعنی تجار این فرقه نیز بر ممالک بعیده غالب شده اند و اکثر بلاد را در تصرف خود آورده اند» (ص ۷۸۵). اکنون نوبت آن است تا درباره این کمپنی که مؤلف آنچه گفته مقدمه شرح آن بوده سخن بگوید.

کمپانی هند شرقی

آقا احمد، اشارتی صوری به کار کمپانی داشته و آن را صرفاً اقتصادی می داند. در اینجا نیز مطالبی از مسیر طالبی نقل می کند (ص ۷۸۷ و ۷۸۹). در آغاز و در عصر «جهانگیر

در نظر مخالفین خواهد بود.» (ص ۶۳۲). شاعران شهر اشعاری درباره این نماز جمعه و آقا احمد سروده اند که او آن اشعار را آورده است. نماز عید سال ۱۳۲۴ را نیز در عظیم آباد بر وفق مذهب شیعه اقامه کرده است. او محرم سال ۱۳۲۵ را در عظیم آباد بوده و از عزاداری مردم یاد کرده است. وی از تلاش خود برای اصلاح عزاداریها و نیز از این که برخی جهال مرجع دینی مردم شده و فتوهای عجیب از جمله پاک بودن فضله گربه داده اند- سخن می گوید (ص ۶۳۹).

خاتمه این کتاب بازگشت به شرح حال خود آقا احمد است: «عدد تألیفات این فقیر» که هجده اثر است؛ «صورت اجازة میر سید علی طباطبایی»؛ و چند تن دیگر از جمله میرزای قمی (ص ۶۴۹).

ساختار حکومت انگریزیها

مقصد سوم کتاب اختصاص به سرگذشت پادشاهان فرنگ و غیره دارد. در این مقصد تاریخچه مختصری از این بلاد و شاهان آن گفته شده که حاوی مطلب تازه ای نیست. آنچه که کم و بیش سودمند است بخش مربوط به روسیه است که ضمن آن به «جنگهای ایران و روسیه» که مؤلف معاصر آن جنگها بوده، پرداخته شده که آن هم در حد کلیات است (ص ۶۸۸-۶۹۷). بحثهای وی درباره ممالک مزبور تا صفحه ۷۵۱ ادامه دارد. پس از آن به «شرح احوال جماعت انگریز و حقیقت احوال کمپنی» می پردازد. آگاهیهای او از تاریخ انگلستان چندان قوی نیست مخصوصاً که در یک مورد می گوید «بربنائی اکبر که در عهد خلفای بنی امیه و عباسیه به تصرف مسلمانان بوده اند» (ص ۷۶۵).

در شرح حکومت انگلیس به ساختار سیاسی این کشور

بابری» تنها در «بند سورت» مکانی به عنوان بیت‌التجاره به آنها داده شد اما چیزی نگذشت که بیشتر بلاد هندوستان را به تصرف خود در آوردند. آقا احمد از بی‌غیرتی هندیان تاأسف می‌خورد و در همانجا از صفویان و زندیان که اروپائیان را از جزایر جنوب ایران اخراج کردند ستایش می‌کند و می‌گوید: «حق آن است که این مردی و مردانگی در آن کشور از اثر آب و هوای آنجاست (ص ۷۹۱). در برابر سلاطین هند روحیه تسامح داشته و حاضر به جنگ برای اخراج انگلیسیان نبودند. البته وی اشارتی به برخی از مقاومتها از جمله جنگهای سراج‌الدوله با انگلیسیها کرده است که آن هم منجر به مصالحه و پرداخت غرامتی سنگین شد؛ جنگهای بعدی نیز منجر به «شهادت» او در سال ۱۱۷۰ گردید (ص ۸۰۹). به جز «مسیر طالبی» مؤلف در شرح وقایع این دوره از کتاب «سیر المتأخرین» نیز بهره برده است (ص ۸۱۴).

آقا احمد که با شیوه حکومت در عثمانی و ایران آشنایی داشته، نظام جدیدی را در هند تحت سلطه انگلیسیها دیده و لذا به جز آنچه پیش از این آورد، فصولی را به «آیین و طریقه حکومت آن قوم» اختصاص داده است.

نظام قضایی و سپاهیگری

از مجموعه ساختار اقتصادی و سیاسی و نظامی کمپانی او تنها به شیوه قضایی و نظامی آنها، که گویی بیش از هر چیز توجه او را به خود جلب کرده، پرداخته است. ابتدا به سیستم «عدالت دیوانی» در امور حقوقی پرداخته و از نظم حاکم بر آن و اجرای عدالت و نیز مراحل رسیدگی به دعوا بحث کرده است. پس از آن نوبت به «عدالت فوجداری» می‌رسد که مربوط به رسیدگی به خیانت و دزدی و فساد و امثال ذلک است. در برابر احکام قضایی اسلام مثلاً قطع دست، جرایمی نظیر هفت سال زندان را تعیین کرده اند (۸۳۲). آقا احمد در بخش عدالت فوجداری دو انتقاد عالمانه مطرح می‌کند که از نظر قضایی قابل توجه است. (۸۳۷ - ۸۳۸) پس از سیستم قضایی، آقا احمد به سپاهیگری آنها می‌پردازد چرا که آنها «در جنگ توپ و تفنگ و مهارت

در آن از اعجوبه روزگار و نادره دوراند» . آقا احمد بر این باور است که تسلط آنها بر توپ اندازی یکی از رازهای اصلی سلطه آنان بر هند است. بنابراین ضرورت دیده تا شرحی از سیستم نظامیگری آنها به دست دهد، «القاب سرداران»، «طریقه توپ انداختن»، «طریقه تربیت سپاهیان و قواعد کردن ایشان» «مواجب لشکریان» از جمله این مباحث است. رفتار منظم آنان در این امر سبب شده که با آنکه زیاده از دوازده هزار کس در این ملک نیستند، به این سهولت و خوبی مالک و مسلط شده اند. وی درباره طریقه لشکرکشی آنان نیز به تفصیل سخن گفته است (ص ۸۵۰ - ۸۵۹).

در اینجا یک نکته جالب وجود دارد و آن اینکه پس از پیروزی به قتل و شهب نمی‌پردازد بلکه با سلطان شکست خورده به عزت و احترام برخورد می‌کنند (به خلاف و ضوابط اهالی ایران و روم [عثمانی] که دعوتاً دودمانی را خراب و شیرازه انساب و اخلاف جمع کشیری را در آن واحد گسسته بیخ و بنیاد ایشان را به آب می‌رسانند)، و این سبب می‌شود تا نظام مملکت ویران شود. نظر نهایی آقا احمد در این بخش آنکه: «اگرچه آیین و قواعد ایشان نیز خالی از مکر و خدعه و حيله نیست و در بسیاری از امور بر رعیت، در پرده، ظلم و تعدی می‌شود، ولیکن چون به ظاهر در لباس عدالت است، روز به روز دولت و مملکت ایشان در ترقی و تزاید است (۸۵۹). در واقع باید سخن او را به این گونه تجزیه و تحلیل کرد که عدالت برای خود و ظلم برای اقوام دیگر، دموکراسی برای خود، استبداد برای دیگران؛ این رمز ترقی و تزاید نیروی استعمار در چند قرن اخیر بوده است.

آقا احمد در ادامه بار دیگر به شرح برخی از خصوصیات زندگی اجتماعی و خانوادگی و صنعتی انگلیسیها می‌پردازد. «طریقه معیشت»، «نفی بکارت زنان»، «تسلط و بی‌پردگی زنان و کیفیت رفتار مردان با

(۸۹۹) نوشته شده است.

وی شرحی در عدالت و ضرورت آن در حفظ و بقای جامعه با استناد به آیات، روایات و حکایات قدیمی و سخنان حکیمانه ارسطو و دیگران آورده است. پس از آن فصلی را به نصیحت سلاطین و فصلی را به غیر سلاطین اختصاص داده است. این نصایح کلیات اخلاقی سیاست مدن است. در میان آنها اشارات تاریخی نیز وجود دارد از جمله دستور فتحعلی شاه به قتل «متصوفه ضاله مضله» که شمار زیادی را در «حلقه اطاعت» خود درآورده بودند (۹۰۱). درباره اخذ مالیات و اسلوب صحیح آن، آثار تجربه‌های سفر آقا احمد ظاهر می‌شود اما در بخش سلطنت جز به امر مشورت، اشارتی به مجلس و پرلمنت و وزارت و یا از سوی دیگر حکومت فقها بر سلاطین ندارد. آنها نیز که راجع به زوال حکومت بحث می‌کند نمونه‌های تاریخی از سلطنت بابریه هند، رفتن نادرشاه به هند، و زوال حکومت صفویه آورده وی درباره حمله افغانه، شکست اصفهان و از میان رفتن عالمان در آن حادثه اندکی به تفصیل سخن گفته است (تا ۹۹۴). رمز اصلی سقوط سلاطین، تمایل به تعیش «تنقیح معاجین» و تصرف «ادویه مقویه باه» و امثال ذلک است.

آخرین فصل، نصایحی چند به رعایاست که مؤلف به چند تذکر کوتاه بسنده کرده است.

۱. وی در کتاب «نخستین رویارویی اندیشه گران» در دو مورد به شرح دیدگاه‌های آقا احمد می‌پردازد.

ایشان»، «احوال اطبا و قابله شدن» دلالت تشخیص مقدار حرارت و برودت هوا»، «وضع ربا و سود» بیمه مال التجاره» که آقا احمد درباره اش می‌گوید: «چون یک طرف معامله کفارند ظاهراً عذر شرعی ندارد و الا شرعاً نهایت مشکل بود» (۸۷۵). «نوشتن کتب به قالب و مسأله چاپ [چهارپه!]»، «ثبت عجائبات و اخبار جدیده» و «مدرسه کلکته» از آخرین مباحثی است که در کیفیت زندگی قوم انگریز آورده است.

در پایان لازم است که به یک نکته اشاره کنم. از آنچه گذشت به دست می‌آید که آقا احمد مثل هر عاقلی از مظاهر تمدن جدید ستایش می‌کند اما هیچ‌گاه، روی خوش به انگلیسیها نشان نداده و در بسیاری از موارد با متهم کردن آنان به حيله و دغل، از غیرتمندانی که اروپایی را از کشور رانده اند ستایش می‌کند. او همکاران انگلیسی‌ها را مشتری نمک به حرام می‌خواند و کوشش او شرح و بازگو کردن چگونگی سلطه انگلیسی است.

با وجود این همه نص، تعجب از مرحوم دکتر عبدالهادی حائری است که متأسفانه، تصویری واژگون از دیدگاه‌های وی به دست داده و حمل به صحت آن این است که چون کتاب در دسترس وی مخطوط بوده، وی توانسته سراسر آن را مطالعه کند.^۱

یک سیاستنامه دیگر

آقا احمد در لابه لای مطالب اظهاراتی در مقایسه مسائل کشورهای مختلف با نظام سیاسی و اجتماعی انگلیسیها آورده؛ اما به نظر می‌رسد خواسته است تا «خاتمه کتاب» خود را به عنوان حاصل تجربیات خود به «نصایح سیاسی» و اصول مملکتداری پردازد. در اصل این بخش کتاب یک رساله سیاسی مستقل سبک سیاستنامه‌های دوره اسلامی است که اندکی با ملاحظه تجربه‌های جدید

